شاهدی مهم برای معنای روایت حرف واحد در کلام علامه حلی

خب آیا با این استدلال ایشان، فرمایش شما میآید یا نمیآید؟ یعنی وقتی این را میبینیم این تواتری که ایشان میگویند فضای ذهنی ایشان را باز میکند. الآن که به اینجا رسیدیم، نکتهای که امروز دیدم و باعث خودشحالی من بود را خدمت شما میگویم. سؤالی مطرح بود که چرا بازتاب نداشته است؟ قطب راوندی میگوید که مذهب ما این است که همه قرائات درست است. سید مرتضی، سید رضی فرمودند. اینها چطور این را گفتند و حال آنکه در مقدمه تبیان میگویند مذهب امامیه و اصحاب این است که حرف واحد است؟! چطور جمع میکردند؟!

امروز این نکته را در عبارت علامه پیدا کردم، شما بهدنبال آن بروید. ببینیم اگر با قرائن منحصر در آن چه که من میخواهم بگویم، خیلی عالی است. شاهد قویای است. تاحالا پیدا نکرده بودم. این اولین مورد بود. آن سؤال چه بود؟ این بود که ما در کلمات علماء قبل از قرن یازدهم، یک توضیحی را راجع به حرف واحد پیدا کنیم. شیخ الطائفه فرمودند که مذهب امامیه حرف واحد است، اما توضیح ندادند که این به چه معنا است. قطب هم مذهب امامیه را مقابل آن بیان کردند. در منتهی خیلی خوب شد. من میخوانم و برداشت خودم را بهعنوان یک احتمال عرض میکنم. الآن ساعت را خواندم. از ثامن در شوید، بعد از آن مسأله خیلی جالبی را مطرح میکنند که چالش برانگیز است. نه اینکه چالش نظری باشد، بلکه چالش از حیث استدلالی است. یعنی خروجی آن برای ما مشکلی ندارد و برای همه واضح است. اما از حیث استدلال میخوانم و میبینید.

> مسألة: والا يجزي بالترجمة والا بمرادفها من العربية وهو مذهب أهل البيت (ع) وبه قال الشافعي وأبو يوسف ومحمد وقال أبو حنيفة يجوز ذلك. لنا: أنه بغير العربية ليس بقرآن لقوله تعالى: (بلسان عربي مبين) أخبر أنه أنزل القرآن بالعربي فما ليس بعربي لم يكن قرآنا وكذا قوله تعالى: (إنا أنزلناه قرآنا عربيا) والان القرآن ما ثبت نقله بالتواتر والترجمة أو المرادف ليس كذلك ولأنه معجز بالاجماع أما بفصاحته أو نظمه أو بهما أو بالصرفة فلو كان معناه قرآنا لما تحقق الاعجاز ولما حصل التحدي به ولكانت التفاسير قرآنا ويلزم أن من أتى بمعنى شعر امرء القيس نظما أن يكون هو بعينه شعر أمرء القيس وذلك جهالة[1]

مسأله چیست؟ میفرمایند آیا در نماز میتوانید ترجمه سوره حمد را بخوانید؟ مثلاً فارسی بخوانید. بعد از اللهاکبر شروع کنید و بگویید «به نام خدا....». ترجمه کافی است یا نه؟ ابوحنیفه می گفته که جایز است. در قرن دوم می گفته. مثل توپ صدا کرده بود. دو شاگرد راست

و چپش مثل شیبانی و ابوی‌وسف از آن عدول کردند. دیدند که این حرف آبروریزی است. حتی خود حنفی ها‌می‌گویند: «رجع الامام الی قولهما». در آخر عمرش او هم به قول شاگردانش رجوع کرده. خیلی عجیب است. در الموسوعة الفقهیة الکویتیة هست. ابوحنیفه می‌گوید هر مسلمانی در نماز می‌تواند اختیارا ترجمه سوره حمد را بخواند. عربی هم بلد است و خیلی خوب می‌خواند، می‌گوید خب بلد باشد. اگر می‌خواهی فارسی هم بخوانی، بخوان. خیلی عجیب است. ایشان می‌فرمایند: « **لایجزی بالترجمه»؛** نزد ما ترجمه در نماز کافی نیست. این فرض روشن است.

اما این فرض که عربی بخوانید اما مرادف بیاورید. این جایز هست یا نیست؟ بخوانید «الحمدلله رب العالمین الرحمن الرحیم صاحب یوم الدین». به جای «مالک»، «صاحب» بگوییم. «مالک» و «صاحب» که فرقی ندارند؛ صاحب الدار، مالک الدار. خودتان بگویید «صاحب الدار» این جایز هست یا نیست؟

می‌فرمایند: **«ولایجزی بالترجمة وبالمرادفها من العربیة»**؛ نه، مرادف هم نمی‌توانید بیاورید. نماز باطل است. نمی‌توانید مرادف عربی آن را هم بیاورید. چرا؟ چه کسی گفته؟ ابوحنیفه که می‌گوید هر دو آنها جایز است. وقتی فارسی آن را بگوید دیگر به طریق اولی مرادف عربی آن را می‌گوید.

الآن منظور من مرادف آن است. می‌فرمایند مجزی نیست که به مرادف بیاورید. می‌فرمایند: «وهو مذهب أهل البیت»؛ مذهب اهل البیت علیهم‌السلام این است. علامه از کجا مذهب اهل البیت را کشف کردند؟ نه اینکه یک روایت بیاورند. «مذهب اهل البیت علیهم‌السلام»؛ از کجا این را آوردند؟ عرض الآن من این است: ایشان می‌گوید خب «حرف واحد» است. سنی ها و ابوحنیفه استدلال کرده چون «نزل القرآن بسبعة احرف»، پس می‌توانید به فارسی بخوانید. مذهب اهل البیت این است که نه، حرف واحد است. نمی‌توانید مرادف بیاورید. این یک شاهد خیلی خوبی است.

---

[1]همان

بازبینی #2
ایجاد شده 23 آوریل 2024 15:26:06 توسط ... .
به روزرسانی شده 30 مه 2024 11:53:58 توسط ... .